



«جوان» پدیده شکاف مالیاتی و تبعات آن را واکاوی می‌کند

ردپای تعارض منافع در ارزیابی وضعیت شکاف مالیاتی

شاخص‌های بررسی وضع موجود شکاف مالیاتی به درستی محاسبه و اعداد و ارقام آن طور که باید گزارش نمی‌شود که ریشه در تعارض منافع دارد



کرد که خود این امر مشکلات و مسائل رایبه وجود می‌آورد. از آنجا که مالیات یکی از اصلی‌ترین درآمدهای دولت محسوب می‌شود، تلاش برای محاسب‌کردن مردم به پرداخت آن و جلوگیری از فرار مالیاتی یکی از اولویت‌های دولت است. مالیات عمده‌ترین منبع مالی دولت در اغلب کشورها و به ویژه کشورهای توسعه یافته است و برای تأمین مخارج دولت از اهمیت زیادی برخوردار است، اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود ساختار تورمی و رکودی و کارآنبودن نظام مالیاتی، درآمدهای مالیاتی درصد ناچیزی از تولید ناخالص این کشورها را تشکیل می‌دهند. ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای در حال گذار، به دلیل شفاف نبودن و ناتوانی نظام مالیاتی در شناسایی صحیح درآمد بنگاه‌ها و افراد، عموماً میزان مالیات تشخیصی ناچیز بوده و اغلب با میزان مالیات واقعی تفاوت قابل توجهی دارد. در این راستا، دولت به عنوان یکی از ذی‌نفعان کلیدی شرکت‌ها، برای تشخیص میزان مالیات، بر اظهارنامه‌های مالیاتی که توسط مؤدیان مالیاتی تنظیم و تسلیم می‌شود، تکیه می‌کند. به رغم تکیه دولت بر اظهارنامه‌های مؤدیان، مالیات ابراز شده با مالیات تعیینی در بیشتر موارد یکسان نیست که اصطلاحاً به آن شکاف مالیاتی گفته می‌شود. شکاف مالیاتی به معنای تفاوت کل

مقادیر مالیات‌های ده‌ه‌کار به دولت و پرداخت مالیات است. مسئله اساسی این است که مطابق برخی بررسی‌ها، درآمدهای مالیاتی دریافت نشده و در نتیجه فعالیت‌های زیرزمینی در ایران بزرگ و ظاهر در حال رشد هستند. مطالعات نشان می‌دهد که شکاف مالیاتی سهم عظیمی از تولید ناخالص داخلی ایران را دربرمی‌گیرد، بنابراین، پرداختن به آن می‌تواند نقش مؤثری در جهت دستیابی به اهداف نهایی سیاست‌های کلان داشته باشد.

بررسی شواهد آماری موجود در نظام مالیاتی ایران و مقایسه نسبی آن با سایر کشورها نیز حاکی از وجود یک شکاف میان وضعیت مالیاتی موجود در اقتصاد ایران با شرایط مطلوب آن بوده که

باید مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر، سیاست‌های نادرست نیز می‌تواند وضعیت موجود در جامعه را وخیم‌تر سازد. شکاف مالیاتی از دو بخش عمده فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی تشکیل شده است. فرار مالیاتی، نوعی تخلف از قانون است. وقتی مؤدی مالیاتی از گزارش درست درباره درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه‌خود که مشمول پرداخت مالیات می‌شود، امتناع کند، عمل غیررسمی انجام می‌دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور

افزایش شکاف مالیاتی در ایران به نسبت ارقام جهانی

متغیر / منبع	مستثلات	مشاغل	حقوق	جمع	مالیات بر درآمد	مالیات بر اشخاص حقوقی	مالیات بر مصرف	مجموع
شکاف مالیاتی بر آورد شده در سال ۹۹ (هزار میلیارد تومان)	۲.۳	۷۸	۱.۵	۸۲.۱	۳۲.۲	۱۷	۱۲۱.۳	
سهم از کل شکاف در سال ۹۹ (درصد)	۱.۸	۵۹.۰۶	۱.۱۷	۶۲.۱	۲۴.۵	۱۳.۱	۱۰۰	
درآمد مالیاتی وصولی در سال ۹۹ (هزار میلیارد تومان)	۲۱.۷	۱۲.۴	۲۳.۷	۳۹.۸	۵۶.۴	۹۱.۳	۱۸۷.۵	
نسبت شکاف به درآمد وصولی در سال ۹۹ (درصد)	۱۰.۸	۶۳۷	۶.۵	۲۰۶	۵۷	۱۸.۷	۷۰	

در کشور از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ نشانگر افزایش رقم مطلق شکاف مالیاتی از ۷۵ هزار میلیارد تومان در سال ۹۲ به ۱۳۲ هزار میلیارد تومان در سال ۹۹ است. همچنین شاخص نسبت شکاف مالیاتی به کل ظرفیت بالقوه درآمد مالیاتی در سال ۱۳۹۹ به ۳۵ درصد رسیده است. این نسبت به طور متوسط در هشت سال گذشته ۴۱ درصد بوده است. این در حالی است که این شاخص در کشورهای پیشرو و نظام مالیاتی به طور متوسط ۱۵ درصد بوده است. بررسی شکاف مالیاتی به تفکیک پایه‌های مالیاتی، اطلاعات ارزشمندی را در اختیار قرار می‌دهد. این روش مرسوم جهانی، پایه‌های مالیاتی دارای اهمیت بیشتر برای کاهش شکاف مالیاتی را نمایان می‌کند. علاوه بر آن به سیاستگذار کمک خواهد کرد که راهکار خاص و متناسب با هر پایه مالیاتی را برای کاهش شکاف مالیاتی ارائه دهد:

۱. حدود ۶۲ درصد از شکاف مالیاتی در کشور با حجمی بیش از ۸۲ هزار میلیارد تومان مربوط به شکاف مالیاتی در مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی است. جزئیات

این آمار نشان می‌دهد که بیشترین شکاف مالیاتی در مالیات بر درآمد مربوط به مالیات بر مشاغل (۵۹ درصد از کل شکاف مالیاتی) است. همچنین کمترین میزان شکاف مالیاتی نیز مربوط به مالیات بر حقوق (یک درصد) است. در امریکا و بریتانیا نیز شکاف مالیاتی مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی بیشترین سهم را در بین شکاف مالیات سایر پایه‌های مالیاتی دارد است. براساس تحقیقات انجام شده ثروتمندان بیشترین فرار مالیاتی را دارند و آمار خزانه‌داری امریکا، بیش از ۶۳ میلیارد دلار فرار مالیاتی یا به عبارتی شکاف طی سال‌های ۹۲ تا ۹۸ به طور میانگین ثروتمند در این کشور بوده است.

۲. وضعیت شکاف مالیاتی در بخش اشخاص حقوقی نیز نامناسب است و سهم این پایه مالیاتی از کل شکاف طی سال‌های ۹۲ تا ۹۸ به طور میانگین ۴۲/۷۳ درصد بوده و نسبت شکاف مالیاتی به درآمدهای مالیاتی این بخش ۱۴۸ درصد در سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۹) بوده است، در حالی که این نسبت برای سه کشور بریتانیا، کانادا و استرالیا به طور

مالیاتی است، اما در این میان باید توجه داشت که نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی یا نسبت آن به بودجه دولت، شاخص‌های مناسبی در ارزیابی عملکرد سازمان امور مالیاتی نیستند و انتقادات زیادی از جمله نحوه محاسبه یا مرتبط بودن با متغیرهای متعدد خارج از کنترل سازمان امور مالیاتی، به آنها وارد است.»

وی می‌افزاید: «شاخص مهمی که در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد، شاخص شکاف مالیاتی، به معنی نسبت مالیات‌های از دست رفته به درآمدهای وصولی است. این شاخص به درستی نشان می‌دهد که سازمان امور مالیاتی چقدر توانسته است ظرفیت مالیات ستانی را محقق کند. برخی کشورها از جمله کانادا هزینه‌های زیادی برای سنسنجش این شاخص انجام می‌دهند تا بتوانند وضعیت آن را بررسی کنند. برخی کشورها از جمله انگلیس نیز گزارش‌های مفصلی درخصوص شاخص شکاف مالیاتی منتشر می‌کنند.»

■ تعارض منافع مانع ارزیابی عملکرد

ملک‌آزاده ادامه می‌دهد: «در ارزیابی عملکرد سازمان امور مالیاتی، باید به دنبال اصلی‌ترین شاخص‌ها باشیم و در این زمینه، مهم‌ترین شاخص شکاف مالیاتی است. در حال حاضر مطالعات مناسبی درخصوص میزان فرار مالیاتی انجام نشده و آمارهای رای‌کننده‌ای که مطرح می‌شود از حدود یک سوم تا هفت برابر درآمدهای وصولی را برای میزان فرار مالیاتی تخمین می‌زنند. درخصوص محاسبه و کاهش فرار مالیاتی نیز در حال حاضر موانعی خاصی وجود ندارد و سازمان امور

مالیاتی باید در این زمینه متولی باشد.» کارشناس مسائل اقتصادی خاطر نشان می‌کند: «در تعیین شاخص‌ها یک مسئله تعارض منافع است و در این زمینه نباید هر دستگاهی خودش شاخص گذاری کند و ارزیابی شاخص‌ها را نیز انجام دهد، بنابراین برای تعیین شاخص‌ها و ارزیابی وضعیت شاخص‌ها باید نهادی به شکل تخصصی تشکیل شود و بر کیفیت تغییر شاخص‌ها نظارت کند، در حال حاضر در بسیاری از زمینه‌ها شاخص‌ها به درستی محاسبه نمی‌شود و اعداد و ارقام آنطور که باید گزارش نمی‌شود که ریشه در این تعارض منافع دارد.»

■ جمع‌بندی

با توجه به مباحث مطرح شده مالیات یکی از پایه‌های درآمد دولت‌هاست، ولی باید عادلانه اعمال شود اینکه مالیات گروهی قبل از پرداخت حقوق شان دریافت شود و در مقابل گروه‌های مختلف به دلیل ضعف دولت از پرداخت مالیات طفره روند، نه تنها هیچ تناسبی با عدالت اجتماعی ندارد، بلکه منجر به کاهش بهره‌وری خواهد شد. بنابراین دولت مکلف است با تمهیدات عادلانه و قاعده‌مند نسبت به ساماندهی فرآیندهای دریافت مالیات از همه مشمولان مالیاتی اقدام کند.

یعنی به میزان ۱۳۱/۳ هزار میلیارد تومان که ۷۰ درصد از کل درآمد وصولی در سال ۱۸۷/۶۹۹ هزار میلیارد تومان بوده، درآمد از دست رفته مالیاتی وجود دارد که عدد قابل توجهی است. البته لازم به ذکر است که محاسبات انجام شده، تعدیل شده محاسبات سازمان امور مالیاتی با معیارهای مشخص است و این احتمال وجود دارد که شکاف موجود بسیار

بسیار بیشتر از میزان محاسبه شده باشد. در سایر کشورها نیز شکاف مالیاتی اهمیت داشته و محاسبه و تحلیل می‌شود. دولت بریتانیا هر ساله شکاف مالیاتی را محاسبه و منتشر می‌کند. کاهش شکاف مالیاتی از اولویت‌ها و اصلی‌ترین برنامه‌های اداره مالیات و گمرک بریتانیاست. کانادا در سال ۲۰۱۶ واحد ویژه‌ای جهت محاسبه شکاف مالیاتی راه‌اندازی کرد که بودجه این واحد ۴۴۴ میلیون دلار در سال ۲۰۱۶ بود. شکاف مالیاتی در کانادا به دو روش شکاف پرداخت و اقتصاد زیرزمینی اندازه‌گیری شده است. در امریکا نیز شکاف مالیاتی توسط اداره درآمد داخلی امریکا، در بازه‌های زمانی مشخص محاسبه و تحلیل می‌شود. در امریکا شکاف مالیاتی مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی بیشترین سهم را در بین شکاف مالیات سایر پایه‌های مالیاتی داراست. تحقیقات IRS نشان می‌دهد که طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میزان میانگین سالانه شکاف مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی ۳۱۴ میلیارد دلار بوده است. به عبارتی دیگر ۷۲ درصد از کل ۴۴۱ میلیارد دلار شکاف مالیاتی، شکاف مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی بوده و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد شکاف مالیاتی در ایران که منجر به عدم کارایی نظام مالیاتی و درآمد از دست رفته بالایی شده است، حجم قابل توجهی دارد. بررسی میزان شکاف مالیاتی به تفکیک پایه‌های مالیاتی نیز حاکی از آن است که بیشترین سهم از شکاف در کشور، مربوط به «مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی» بوده که ناشی از مالیات ستانی غیر بهره‌ور از مشاغل و اصناف است، بنابراین ضروری است سازمان امور مالیاتی و وزارت اقتصاد، با تمرکز بر محاسبه درست و کاهش شکاف مالیاتی به عنوان یک شاخص مهم، نسبت به اصلاح نظام مالیاتی کشور و افزایش درآمدهای دولت از این طریق اقدام کنند.

نظام اقتصادی اسلام

طبعاً رهبافت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر «نه شرقی، نه غربی» درباره همه ساحت‌ها از جمله اقتصاد صدق می‌کند. نفی نظام‌های اقتصادی نئولیبرالیسم و کمونیسم با پشتوانه «نظام اقتصادی اسلام» است، اما این نظام آنطور که باید، معرفی و مورد توجه قرار نمی‌گیرد. از این جهت در سلسله مطالبی کتاب «نظری به نظام اقتصادی»، مجموعه یادداشت‌های متفکر شهید استاد مرتضی مطهری را بازخوانی می‌کنیم.



رد قاعده سوسیالیست‌ها

ایا همانطور که ارزش هر چیزی ناشی از کاری است که در آن صورت گرفته‌است و به مقدار کاری است که در آن صورت گرفته است، قدرت ایجاد ارزش هر چیز نیز به اندازه ارزش خود آن چیز است؟ یا ممکن است چیزی بیش از اندازه ارزشی که دارد ارزش ایجاد کند و به عبارت دیگر بیش از اندازه کاری که در ایجاد آن صورت گرفته کار تحویل دهد؟ به عبارت دیگر آیا مقدار کاری که از اشیا ساخته است، حداکثر مساوی است با مقدار کاری که در آنها تراکم یافته و هر چیزی فقط قادر است مقدار کار متراکم شده در خود را به دیگری منتقل کند، یا قادر است بیش از آن مقدار کاری که صرف خودش شده‌است به دیگری منتقل کند؟ به عبارت دیگر، مطابق اصطلاح مارکسیست‌ها، آیا ارزش اشیا ثابت است یا متغیر؟ یا شق نسومی در کار است و باید قائل به تفصیل شد و آن اینکه بعضی اشیا قادر نیستند و بعضی اشیا دیگر قادرند. اگر اینچنین است رمز این تفاوت در کجاست؟ آیا نظریه ارزش اضافی کارل مارکس سرمایه‌داری را ظالمانه جلوه داده یا برعکس، آن را عادلانه جلوه داده است؟ به عبارت دیگر آیا مارکس سرمایه‌داری را از جنبه اخلاقی و حقوقی تیرنه و تطهیر کرده و قانون مفرغ را تصحیح کرده است یا ظالمانه بودن آنها را به ثبوت رسانده است؟ ارزش اضافی از نظر ما مربوط به عادلانه نبودن مزد است از طرفی و به استثمار مصرف‌کننده است، از طرف دیگر و مربوط به ماشین است از جانب سوم. آیا سودی که بازرگان می‌برد سهمی از اضافه ارزش تولیدکننده است، آنچنانکه سوسیالیست‌ها می‌گویند، در نتیجه بازرگان تولیدکننده را استثمار می‌کند، یا سودی که می‌برد اگر زائد بر مقدار کار و ابتکاری است که به خرج می‌دهد استثمار مصرف‌کننده است نه شرکت در ارزش اضافی تولیدکننده (و یا هر دو)؟ سوسیالیست‌ها روی قاعده‌ای که دارند مبنی بر اینکه هر چیزی جبراً حدود قیمت واقعی خود به فروش می‌رسد و بازار تعیین‌کننده ارزش واقعی است، ناچارند که سودهای ناروای بازرگانی را تعدی به حقوق تولیدکنندگان بدانند و پس، اما به نظر ما که این مطلب را قبول نداریم سود ناروای بازرگان ممکن است تعدی به حقوق تولیدکننده باشد و ممکن است تعدی به حقوق مصرف‌کننده بوده باشد

مکاتبات



۴ اقدام مالیاتی دولت سیزدهم

علی‌اکبر علیرزاده برمی، نماینده مردم دامغان در مجلس معتقد است جلوگیری از فرار مالیاتی و شفاف‌سازی وضعیت پرداخت مالیات، انتشار صورت‌های مالی شرکت‌های دولتی، ساماندهی مالیات بر خانه‌های خالی و الزام بانک‌ها به دست‌برد داشتن از بنگاهداری، چهار اقدام مهم دولت سیزدهم است. برای نخستین بار در سال‌های اخیر بود که با وجود افزایش کلی درآمدهای مالیاتی توسط مجلس، اما مبلغ مالیات پرداختنی توسط اشخاص افزایش نیافت، زیرا افزایش درآمدهای مالیاتی ناشی از شفافیت و جلوگیری از فرار مالیاتی و ساماندهی یوزهای تجاری بود.

دولت بیش از مبلغ پیش‌بینی شده در ۹ ماه نخست اسمال درآمد مالیاتی داشته است. موضوع دومی که در این دوره وزارت اقتصاد با آن روبه‌رو بودیم، حسابرسی شرکت‌های دولتی بود، شاید در طول تاریخ بودجه‌ریزی برای نخستین بار باشد که نزدیک به هزار شرکت از شرکت‌های دولتی حسابرسی و صورت‌های مالی آنها شفاف شده است. نکته جالب این است که این صورت‌های مالی انتشار عمومی یافته‌اند که طبیعتاً اثرات خود را بر شفاف‌سازی و کاهش فساد خواهد گذاشت که این اقدام، موجب اعتماد مردم می‌شود و شرکت هم اگر زیانده باشد، سعی می‌کند اوضاع خودش را سامان دهد و اگر سودآور باشد، وقتی به بورس می‌رود، مردم از آن استقبال می‌کنند و در نهایت به انضباط مالی خواهیم رسید.

با همه مشکلاتی که حول و حوش مالیات بر خانه‌های خالی وجود داشت و جوسازی‌ها مبنی بر اینکه طرح موفق نبوده و موجب فرار سرمایه‌ها شده است، اما حقیقت موضوع این است که ما تا پیش از این اقدام حتی سامانه‌ای نداشتیم که بدانیم به چه میزان خانه خالی در کشور وجود دارد و چه افرادی در این حوزه مشغول به سوداگری هستند. موضوع دیگری که نشان از موفقیت وزارت اقتصاد در دوره کنونی دار، اجبار و الزام بانک‌ها به دست‌برد داشتن از بنگاهداری است، اگرچه این طرح، در ابتدای راه قرار دارد، اما مهم این است که این کار، کلید خورده و نتیجه‌اش این بوده که بانک‌ها ۳۰ هزار میلیارد تومان از اموال مازاد خود را فروختند. شواهد نشان می‌دهد که بنگاهداری بانک‌ها آرام‌آرام در حال کوچک شدن است و بانک‌ها در حال بازگشت به ایفای نقش اصلی خودشان در اقتصاد هستند.

اینها اقدامات بسیار بزرگی است که انجام شده یا کلید خورده است. اگر این اقدامات تکمیل شود، یعنی بانک‌ها به کار اصلی بانکی خودشان بپردازند، فرارهای مالیاتی به شدت کاهش یابد و به صفر نزدیک شود و همچنین موضوع مالیات بر خانه‌های خالی آرام آرام جاف افتاده و به سرانجام برسد، سهم مالیات در بودجه رشد یابدار پیدا کرده و از وابستگی به نفت برای همیشه نجات می‌یابیم.